

دکتر موسی غنی نژاد

استاد دانشگاه

## سیاست‌های مالی و بحران‌های اقتصادی

### مقدمه

بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی موجب شد که سیاست‌های مالی در مرکز توجه سیاست‌گذاران و نظریه‌پردازان اقتصادی قرار گیرد. از همان آغاز، با عمیق‌تر شدن بحران مالی در ایالات متحد آمریکا، مقامات دولتی با تکیه بر سیاست‌های مالی درصدد مقابله با آن برآمدند. سیاست‌های ناظر بر کاهش مالیات‌ها به منظور تشویق مردم به مصرف بیشتر و نیز اختصاص صدها میلیارد دلار از سوی وزارت دارایی (خزانه‌داری) برای کمک به بنگاه‌ها و مؤسسه‌های مالی بحران‌زده، نمونه‌های بارزی در این زمینه به‌شمار می‌آیند. نکته مهم اینجاست که تأکید بر سیاست‌های مالی برای چاره‌جویی بحران مالی و اقتصادی منحصر به ایالات متحده نیست، اغلب کشورهای صنعتی و نوظهور از اروپا گرفته تا آسیا رویکرد کم و بیش مشابهی اتخاذ کرده‌اند. ظاهراً برای عبور از بحران، سیاست‌های انبساطی کینزی دوباره مورد اقبال قرار گرفته و تبعات منفی این‌گونه سیاست‌ها در بلندمدت، که تجربه تاریخی رکود تورمی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شاهد آن بود، به فراموشی سپرده شده است. این بی‌توجهی شاید خود نشانه غفلت بزرگ‌تر و عمیق‌تری باشد که ناشی از نادیده گرفتن تأثیر سیاست‌های مالی انبساطی و انباشته شدن بدهی‌های بخش عمومی بر شکل‌گیری انواع بی‌ثباتی‌های مالی در سطح ملی و بین‌المللی است. به سخن دیگر، این پرسش هنوز با جدیت مطرح نشده است که اگر برخلاف تصور رایج، علت این بحران همانند بحران‌های مشابه گذشته، در ایجاد رونق تصنعی و پیشی گرفتن سرمایه‌گذاری بر پس‌انداز باشد، در این صورت سیاست‌های مالی انبساطی سرکنگبینی نیست که سرانجام بر صفرای بیمار خواهد افزود؟